

ما می‌گوییم:

۱. برای توضیح آنچه از منتهی الدرايه خواندیم، می‌توان گفت:

آدمی وقتی می‌خواهد عملی را انجام دهد، آن را تصور می‌کند و سپس فایده آن را تصدیق کرده و مطابق با تصور خود، فعل خویشتن را اراده می‌کند.

پس اگر بخواهد در مسئله ای خاص، مطابق با نظر مجتهد عمل کند، ابتدا باید ملتزم باشد به اینکه به هرچه مجتهد به او گفت (در عموم فقه و یا در مسئله ای خاص) عمل کند (التزام) و از نظر او در مورد آن مسئله مطلع شود (فراگیری) و بعد در آن مسئله مطابق با نظر مجتهد عمل کند. (عمل)

۲. منتهی الدراية معتقد است، اخذ همان مرتبه فراگیری است که بعد از التزام واقع می‌شود و لذا غیر از التزام است.

البته عبارت منتهی الدراية که می‌نویسد: «اخذ اخص از التزام» است، باید به معنای اخص من وجه باشد چرا که ممکن است کسی التزام داشته باشد و اخذ نکند و ممکن است اخذ کند و ملتزم نباشد.

۳. مرحوم سید در عروه، تقلید را چنین تعریف کرده است (که مطابق با تعریف اول است)

«التقليد هو الالتزام بالعمل بقول مجتهد معين، وإن لم يعمل بعد، بل ولو لم يأخذ فتواه فإذا أخذ

رسالته والتزم بالعمل بما فيها كفي في تحقق التقليد.»^۱

توضیح:

۱- و لو لم ...: حتی اگر فتوای مجتهد را نگیرد (و در مسئله ای خاص آن را نداند)

۲- فاذا اخذ ...: ظاهراً در مقام مثال است. چرا که اگر فرد ملتزم باشد حتی اگر رساله را هم نگرفته باشد، کافی است.

۴. حضرت امام نیز در تعریف تقلید می‌نویسند:

«التقليد هو العمل مستنداً إلى فتوى فقيه معين، و هو الموضوع للمسألتين الآتيتين. نعم، ما يكون

مصححاً للعمل هو صدوره عن حجة - كفتوى الفقيه - و إن لم يصدق عليه عنوان التقليد. وسيأتي

أن مجرد انطباقه عليه مصحح له.»^۲

توضیح:

۱. عروة الوثقى، ج ۱، ص ۱۱

۲. تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۲





۱. تعبیر «نعم ما یکون...» ناظر به حاشیہ‌ای است که ایشان به مسئله ۷ عروۃ دارند. در مسئله ۷ صاحب عروۃ نوشته است: «عمل العامی بلا تقلید و لا احتیاط باطل». و حضرت امام آنجا حاشیہ زده‌اند «الا اذا طابق رأی من یتبع رأیه».

۲. به عبارت دیگر امام می‌گویند اگر عامی، عمل کند ولی عمل خود را مستند به مجتهد نکرده باشد، این کار تقلید نیست ولی این عمل صحیح است.

ما می‌گوییم:

۱. با توجه به آنچه گفتیم می‌توان گفت در تقلید قیود ذیل قابل تصویر است:

الف) التزام (به اینکه اگر خواست عمل کند، به فتوای مجتهد عمل کند)

ب) عمل مطابق با فتوای مجتهد

ج) استناد به فتوای مجتهد

د) فراگیری و اطلاع داشتن از فتوای مجتهد

ه) به دست آوردن رساله در عالم عین

حال:

تعریف اول: التزام

تعریف دوم: التزام + عمل

تعریف سوم: عمل

تعریف چهارم: عمل + استناد

تعریف پنجم: یادگیری و اطلاع

۲. تعریف اول مطابق با نظر سید طباطبایی، شیخ محمدرضا آل یاسین، مرحوم کاشف الغطا (و ظاهراً به سبب

عدم حاشیہ بر این مسئله، مرحوم عراقی را هم می‌توان از طرفداران این تعریف دانست)

تعریف دوم مطابق با نظر سید احمد خوانساری، مرحوم فیروزآبادی.

تعریف سوم مطابق با نظر مرحوم بروجردی، مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی، مرحوم جواهری و مرحوم نائینی.

البته عبارت مرحوم جواهری (نوه مرحوم صاحب جواهر) چنین است: «لا یکفی الالتزام بل لا بد من العمل» و این عبارت می‌تواند مطابق با تعریف دوم هم معنی شود.

تعریف چهارم مطابق با نظر سید عبدالهادی شیرازی، شیخ عبدالکریم حائری، امام خمینی، مرحوم خویی و مرحوم حکیم.



تعریف پنجم مطابق با نظر آخوند خراسانی، سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم گلپایگانی (البته مرحوم اصفهانی التزام همراه با فراگیری را به عنوان تعریف تقلید مطرح می‌کند)

۳. بر این اختلاف تعاریف ثمرات واقعی مترتب است، و مسائل بقاء بر تقلید میت، عدول از تقلید حی به تقلید حی دیگر، می‌تواند وابسته به این تعاریف باشد.

چرا که «کسی که در مسئله‌ای به فتوای مجتهدی عمل نکرده است ولی ملتزم به عمل بوده است، اگر آن مجتهد فوت کند و مقلد بخواهد به فتوای آن مجتهد عمل کرده و از او تقلید کند»، اگر گفتیم تقلید التزام است، این کار، بقاء بر تقلید میت است. ولی اگر گفتیم تقلید عمل است، این کار، تقلید ابتدایی از میت است.

۴. چنانکه گفتیم بر اینکه تقلید را چگونه تعریف کنیم، ثمرات متعدد مترتب است. این مطلب را مرحوم شیخ انصاری تحت عنوان اینکه «آیا این تعاریف اختلاف معنوی دارند و یا صرفاً اختلاف در تعبیر هستند؟» مطرح می‌کند.^۱ البته مرحوم حکیم بالصرحه این اختلافات در تعریف را اختلاف‌های لفظی می‌دانند.^۲ ولی چنانکه گفتیم اختلاف در تعریف ثمرات مختلف دارد و لذا اختلاف‌ها، اختلاف معنوی است.

۱. رساله التقلید، شیخ انصاری، ص ۱۲

۲. مستمسک العروة، ج ۱، ص ۱۱